

وَمَلِكُهُ الشَّهْدَانِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ
نَفْسِي وَمِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ وَشَرِّكَ
تَقَرَّرْتُ عَلَى انْقِصَانِ شَوْعِ النَّجْمِ إِلَى الْمَسِيلِ
افزودن از باب شرف شرک بکبرترین و سکن را مروی است که شرف است
در روایت و اظهار است در معنی و بقیحتن که معنی جابل و مهاجرت است
و اهلای شیطان نیز در روایت است و شرک بمعنی دام و احد است و اقرب
معنی الکتاب است و قرون معنی کتب
دفع در سنن ابوداؤد در روایت
دفعی صحیح این جان و مستدرک حاکم و مصنف ابوبکر ابن ابی شیبیه مروی است
از ابوبکر صدیق رضی الله عنه که گفت در روایت آنحضرت از جنی شیخی از او
آنحضرت فرمود قل اللهم فاطم الجهد و بعضی نسخ مصحح است مروی از ابوبکر
رضی الله عنه پس روایت که از هر دو مروی باشد و در نسخ است که در روز
اربعه از صدیق و باره از ابوبکر هر دو صحیح ای خدا آنحضرت و آن فرستاد که
و در این بابی آنحضرت سموات را در این لفظ فاطم مضموم است که صفت
نزد و برساندی است مسافت نزد سیمیه و همین است حکم در لفظ عام
درست و بلکه که مطوف است بر قرین است عالمی و نامی عالم اعم
و عالم خلق و علامت هر دو مصلح هر چه باشد که با مالک هر چه بود ای صدیق
و معین میدانم که تحقیق نشان این است که نیست سزاوار عبودیت که تو می ناه
همچویم بپادشاه مروی نفس که می گفت درین اسلام است در شرف شیطان
که جن است و اول آن با از شرف و سوس ریاض شیاطین که ابلیس بعین است از
انزاک شیطان ای از انما ضل او و در شرک و کفر که شرک جبار و شرک عظیم

بابا

بابا و نفاق که شرک خفی و شرک صوری است پس اصافت شرک اصافت مصدر
سوی فاعل تخصیص است بعد از تعمیم اللهم كما انقذنا بطيفك اللابني عن الشر
الجليل انقذنا بك اللطف من الزنجر الخفي بحجرت رسولك جيبك
النجي الاحتمى يا ارحم الراحمين شيطان كوعا رست از زمان احوال دوا و لا لا خوف
اینها گرفتار میکنی و از یادهای تعالی باز میدارد و قوله ان تصرف الی معنی
در سنن ترمذی مروی است از انس رضی الله عنه زیاد در این قول که نماز عجم
بنازین که جد و اجتهاد کنیم در تحصیل بدرای ظلم و انجمن بر نفس است خود کنیم
و نه بکلمن کنیز ما را ازین که بکشیم آن ظلم را بپوشیم و دیگر بگوئیم ما ازین
که نسبت کنیم ظلم را باینکه ای کویا کردیم سوی سلی که ظلم داریم بپوشانیم
و من یسب خطیئة لوالدنا ثم یرحمهم یرحمهم فیما فعلنا فعلهم انما یسبنا
تحقیق نماید که مصنف رحمه الله ان نقضت را که مستحکم است معنی لغوی
کردارند است که مستحکم واحد است که اگر در روایت ترمذی نمودمانند
اللهم انی اصحبت الشهدک و الشهدک عن شریک و ملائکتک و
جميع خلقک بانک لا اله الا انت و ان محمدا عندک و
دشوتک اللهم انی اصحبت الشهدک و الشهدک و
عن شریک و ملائکتک و جميع خلقک انک انت الله لا اله الا
انت و خلدک لا شریک لک و ان محمدا عندک و قد کتب
لذبح مراتب
استظهار و کوله کردارند ان جمله بقیات جمع حاصل
معنی بردارند ما را بطلب و طلب عرض است و عقف خانه را معنی در علم
طراز در سنن ترمذی مروی است از انس رضی الله عنه و بعضی نسخ صحیح تر ازین

نسخه خطی